

عنوان مقاله:

بررسی اختلالات یادگیری کودکان دیر آموز

محل انتشار:

هفتمین کنفرانس ملی رویکردهای نوین در آموزش و پژوهش (سال: 1401)

تعداد صفحات اصل مقاله: 10

نویسندگان:

فاطمه نوری - آموزگار اداره آ.پ. شهرستان چابهار

عبدالجلیل بالال - دانش آموز پایه دوازدهم چابهار

ناهید نوری - دانشجوی کاردانی رشته آموزش ابتدایی واحد زابل

زهره نوری - دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی چابهار

خلاصه مقاله:

اصطلاح ناتوانی یادگیری به یک نوع نارسایی شناختی در یک یا چند فرآیند ذهنی در حوزه درک صحیح زبان گفتاری، نوشتاری شنیداری، فکر کردن، خواندن و نوشتن، هجی کردن و محاسبات ریاضی مربوط می شود. یعنی کودکان و نوجوانانی که به رغم آنکه از نظر هوشی و قدرت بینایی و شنوایی مشکلی ندارند اما در یادگیری برخی از مواد درسی یا درک برخی مفاهیم با مشکل مواجه هستند کودکان دیر آموز گروهی از کودکان هستند که بهره هوشی معادل ۷۰ تا ۸۵ دارند و حدود ۶/۱۳ درصد کل جمعیت را تشکیل می دهند. این گروه از کودکان دارای هیچ گونه علامت جسمی یا ظاهری مشخصی نیستند و به جز در امور تحصیلی و فعالیتهای پیچیده ذهنی که ممکن است با شکست مواجه شوند در سایر امور زندگی می توانند مستقل عمل کرده و موفق شوند. اغلب محققان و متخصصان بر این اعتقادند که اگر چه افراد دیرآموز ممکن است نیازهای آموزشی ویژه داشته باشند با این حال برای جایی در سیستم آموزشی ویژه مناسب نیستند و باید در مدارس عادی آموزش ببینند. با در نظر گرفتن این وضعیت یک معلم در کلاس درس عادی با طیفی از دانش آموزانی سر و کار دارد که از نظر ویژگی های شناختی و عاطفی در سطوح مختلفی قرار دارند و اگر بخواهد در امر آموزش به این کودکان موفق باشد باید شناخت همه جانبه ای نسبت به همه ی آنها داشته باشد و آموزش خود را با سطوح مختلف توانایی های گوناگون دانش آموزان سازش دهد. باچالش های آموزشی روبرو هستیم و باید راهکارهای مناسب بیابیم.

کلمات کلیدی:

اختلالات یادگیری، دیرآموزی، چالش های آموزشی، راهکارهای آموزشی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1619350>

